نگاه

پرهیز از سیاسی‌کاری‌های مقطعی و فرسایشی

روح‌الله جمعه‌ای
رییس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور

«وزارت کشور بیشائی ظهور و بروز نظام جمهوری‌اسلامی در سراسر کشور است و دولت می‌خواهد از طریق ایثار نیروهای این وزارتخانه در سراسر این سرزمین امنیت، وحدت، انسجام اجرای حقوق شهروند و رشد و توسعه را متبلور سازد» مطالب فوق بخشی از اظهارات رئیس‌محترم‌جمهوری اسلامی در تبیین جایگاه و موقعیت خاص و ویژه وزارت کشور در سپهر تعاملات درون‌حاکمیتی است. به‌حق وزارت کشور به واسطه ساختار گسترده و تاثیرگذار خود در سراسر کشور در ایفای مشخص‌ترین وظیفه‌اش در امنیت‌بخشی به‌منظور اعمال حقوق شهروندی با محوریت انسجام ملی برای رشد و توسعه در چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گام‌های ارزنده و قابل‌توجهی در راستای سیاست اعتنائی دولت تدبیر و امید برداشته است.

طبیعی است این جایگاه ارزنده و خطیر، کارنگاه بیان دیدگاه‌ها و سلایق مختلف و انتظارات متنوع اجتماعی باشد و هنر مدیریت در این وادی متلاطم و متکثر از توقعات، ایجاد یک وفاق و تفاهم حداکثری در مدار عقلانیت و قانون است. تردیدی نیست بدلیل پراکندگی نایفه‌های اجتماعی نمی‌توان برونسادی برمبنای رضایت مطلق خواست‌ها ایجاد کرد اما وزارت کشور دولت‌یازدهم تلاش کرده با رویکردی افنامی و در راستای کسب حداکثری رضایت شهروندان و نخبگان عمل و توانسته بر مدار تدبیر و امید دولت یازدهم حرکت کند.

این وزارتخانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دستگاه‌های اجرایی حاکمیتی در اجرای کار ویژه اصلی خود یعنی تعمیق سیاست‌های داخلی دولت جمهوری‌اسلامی به موازات وظایف و ماموریت‌های ملی خود بر این عقیده است که با اتخاذ سیاست توسعه‌محور به جای سیاسی‌کاری‌های مقطعی و فرسایشی، گامی مهم و حرکتی عمیق در به فعل‌درآوردن تمام ظرفیت‌های موجود و ایجاد هم‌افزایی در تمامی دستگاه‌ها دارد. با عنایت به اینکه امنیت پایدار در گرو توسعه همه‌جانبه و مستمر قرار دارد، مجموعه این وزارتخانه حقوق شهروندی و کرامت ایرانیان را در همگرایی و کارآفرینی آنها در تمامی عرصه‌های توسعه‌ای دنبال می‌کند.

تاکید بر مشارکت عمومی و باشناط و فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، عینی‌ترین مولفه یادداشت حقوق شهروندی محسوب می‌شود که وزارت کشور در قالب حمایت از فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی اهتمام ویژه‌ای به آن داشته است. از سوی دیگر تلاش برای تقویت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی را می‌توان از برنامه‌های اصلی این وزارت در قبال هجمه گسترده فرهنگ نامانوس و بیگانه با هویت دینی و ملی ذکر کرد بنابراین با پایش مستمر شاخص‌های وضعیت فرهنگی، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، تسهیل و ترغیب جوانان به تشکیل و تحکیم خانواده مقابله با تولید، توزیع و مصرف موادمخدر به تقویت و تعمیق ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در میان مردم می‌پردازد.

به هرحال همه می‌دانند در سال ۱۳۹۲ انتخاباتی برگزار شد و مردم با خلق حماسه سیاسی-رای به اعتدال و تدبیر و امید دادند و تفسیر رای آنها پرهیز از افراط‌گرایی و تصمیمات شتاب‌زده‌ای است که تجربه تلخ این رفتار بروز برخی ناسامانی‌ها در گذشته بوده است. از این‌رو و رشد و توسعه را متبلور سازد» مطالب فوق بخشی از اظهارات ریاست‌محترم‌جمهوری اسلامی در تبیین جایگاه و موقعیت خاص و ویژه وزارت کشور در سپهر تعاملات درون‌حاکمیتی است. به‌حق وزارت کشور به واسطه ساختار گسترده و تاثیرگذار خود در سراسر کشور در ایفای مشخص‌ترین وظیفه‌اش در امنیت‌بخشی به‌منظور اعمال حقوق شهروندی با محوریت انسجام ملی برای رشد و توسعه در چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گام‌های ارزنده و قابل‌توجهی در راستای سیاست اعتنائی دولت تدبیر و امید برداشته است.

طبیعی است این جایگاه ارزنده و خطیر، کارنگاه بیان دیدگاه‌ها و سلایق مختلف و انتظارات متنوع اجتماعی باشد و هنر مدیریت در این وادی متلاطم و متکثر از توقعات، ایجاد یک وفاق و تفاهم حداکثری در مدار عقلانیت و قانون است. تردیدی نیست بدلیل پراکندگی نایفه‌های اجتماعی نمی‌توان برونسادی برمبنای رضایت مطلق خواست‌ها ایجاد کرد اما وزارت کشور دولت‌یازدهم تلاش کرده با رویکردی افنامی و در راستای کسب حداکثری رضایت شهروندان و نخبگان عمل و توانسته بر مدار تدبیر و امید دولت یازدهم حرکت کند.

این وزارتخانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دستگاه‌های اجرایی حاکمیتی در اجرای کار ویژه اصلی خود یعنی تعمیق سیاست‌های داخلی دولت جمهوری‌اسلامی به موازات وظایف و ماموریت‌های ملی خود بر این عقیده است که با اتخاذ سیاست توسعه‌محور به جای سیاسی‌کاری‌های مقطعی و فرسایشی، گامی مهم و حرکتی عمیق در به فعل‌درآوردن تمام ظرفیت‌های موجود و ایجاد هم‌افزایی در تمامی دستگاه‌ها دارد. با عنایت به اینکه امنیت پایدار در گرو توسعه همه‌جانبه و مستمر قرار دارد، مجموعه این وزارتخانه حقوق شهروندی و کرامت ایرانیان را در همگرایی و کارآفرینی آنها در تمامی عرصه‌های توسعه‌ای دنبال می‌کند.

تاکید بر مشارکت عمومی و باشناط و فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، عینی‌ترین مولفه یادداشت حقوق شهروندی محسوب می‌شود که وزارت کشور در قالب حمایت از فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی اهتمام ویژه‌ای به آن داشته است. از سوی دیگر تلاش برای تقویت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی را می‌توان از برنامه‌های اصلی این وزارت در قبال هجمه گسترده فرهنگ نامانوس و بیگانه با هویت دینی و ملی ذکر کرد بنابراین با پایش مستمر شاخص‌های وضعیت فرهنگی، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، تسهیل و ترغیب جوانان به تشکیل و تحکیم خانواده مقابله با تولید، توزیع و مصرف موادمخدر به تقویت و تعمیق ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در میان مردم می‌پردازد.

به هرحال همه می‌دانند در سال ۱۳۹۲ انتخاباتی برگزار شد و مردم با خلق حماسه سیاسی-رای به اعتدال و تدبیر و امید دادند و تفسیر رای آنها پرهیز از افراط‌گرایی و تصمیمات شتاب‌زده‌ای است که تجربه تلخ این رفتار بروز برخی ناسامانی‌ها در گذشته بوده است. از این‌رو

مدیرکل پیشین سیاسی وزارت کشور در گفت‌وگو با «شرق»:

«انتظارات دوگانه»، کار وزارت کشور را سخت کرده است

سالار سپیدچامه

دولت با سیاست داخلی چه خواهد کرد؟ این سوالی است که ۸۶ماه پس از روی‌کار آمدن دولت روحانی، همچنان مطرح می‌شود. معمولا نگاه‌ها نیز به سوی وزارت کشور می‌رود که به‌نوعی وظیفه اجرایی‌کردن بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های رییس‌جمهور در این عرصه را دارد. انتصاب مدیرکل سیاسی وزارت کشور در حالی‌که همچنان پست معاونت سیاسی خالی است، موضوعی است که محمدجواد حق‌شناس در گفت‌وگو با «شرق» به آن اشاره می‌کند. مدیرکل پیشین سیاسی وزارت کشور که از اعضای ارشد حزب اعتماد ملی است، به سبب مدیرمسوولی روزنامه اعتمادملی از چهره‌های رسانه‌ای اصلاح‌طلبان نیز به‌شمار می‌رود. وی در این گفت‌وگو اشاره‌ای تاریخی به‌دلایل اهمیت نقش و جایگاه وزارت کشور در حوزه سیاست داخلی داشت که در ادامه می‌آید:

■ این نگاه به غلط بادرست در سطح جامعه و میان برخی گروه‌های سیاسی و مجموعه‌های نخبگی وجود دارد که آینه تمام‌نمای کنش دولت در عرصه سیاست داخلی، وزارت کشور است. با توجه به شناختی که از ساختار وزارت کشور در حوزه سنادی و در سطح کشور دارید، این نگاه درست است یا باید مجموعه عملکرد دولت را به مثابه یک سیاست مدرنیتی قرار داد؟

عمده مباحث حول سیاست داخلی در مجموعه جامعه در بحث فعالیت احزاب خلاصه می‌شود و روشن و بعد روشن آن تا حد زیادی می‌تواند در سیاست‌های کلان دولت مستقر در این حوزه متجلی شود. اگرچه اصل استقلاد کشوری از حقوقی که در قانون به رسمیت شناخته شده، تابعی از شرایط حاکم بر جامعه و میزان حمایتی که دولت و عوامل موثر در این زمینه از آن حقوق به‌دست می‌آورند، است. این امر می‌تواند جدل مهمی است اما در کنار آن نیز و شناط موجود بین فعالان سیاسی عامل تعیین‌کننده‌ای است که اقرانا می‌تواند به دولت و حاکمیت موجود بیانند. با این حال با توجه به جایگاه دولت و حاکمیت، نقش آنها به مفهوم عام کلمه و سیاست‌های دولت می‌تواند در حوزه سیاست داخلی، تاثیر قابل توجهی داشته باشد. از یک دهه حاکمیتی از رأس بدنه دولت شروع می‌شود. هر دولتی با توجه به رویکردی که نسبت به فعالیت سیاسی و تجزیه دارد مجموعه‌ای از سیاستگذاری‌ها را صورت می‌دهد. در همین سمت‌دهد، دولت‌هایی بر سر کار شده‌اند بی‌اعتقادی به نقش احزاب، جزو سیاست‌های اعلامی آنها بود و حزب و تحزب را تهدید به شمار می‌آوردند. نقطه مقابل آن، دولت‌هایی بودند که توسعه سیاسی و فعال‌بودن کنشگران سیاسی را در برنامه‌های کلان خود می‌دیدند و طبیعی است این نگاه به بدنه دولت نیز تسری یابد و آنقدر دولت داشته باشد تا در حوزه شناط، دولت رو و گشایش باشیم. بنابراین اما از این سیاست‌های کلان دولت می‌توان توقع رونق فضای بازِ سیاسی و تسهیل برای کنشگران سیاسی و بازیگران آن را انتظار داشت. در یک جمله در پاسخ به سوال شما باید بگویم قطعا سیاست‌های کلان دولتی که حاکمیت امور را در دست دارد در شناط به‌یا تحرکی سیاسی موثر خواهد بود. این امر منحصر به وزارت کشور نیست و از دیدگاه‌های نیز بسیاری بعضی‌ها بحرکی در حوزه‌های مهمی که وزیران در این عرصه تاثیر دارند، منتهیا به شکل طبیعی نیک پیکان یا بسیار اصلی جریان یافتن از کانال سیاسی وزارت کشور است. این وزارتخانه سیاسی‌کاری کلان را بیخت و بزه می‌کند و با شیوه‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و فقراهای مختلف زمینه‌سازی تحقق برنامه مدرن در حوزه سیاسی را فراهم می‌کند. بنابراین هم شخص رییس‌جمهور و سیاست‌های کلان توسعه سیاسی به دولت تا بدنه اجرایی حوزه سیاسی که ستاد وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها باشد، در این عرصه فعال و تعیین‌کننده هستند.

■ اگر نوع تفکیک میان کنش سیاسی و دولت قابل باشیم، حامد طبیعی: از میان نیروهایی که در دولت اصلاحات در ساختمان وضوع خیابان فاطمی حضور داشتند، علی بافری را می‌توان یکی از «کارسازی‌های آن مقطع دانست. وی پس از حضور در معاونت سیاسی استانداری قزوین و گذراندن سال‌ها سیاست مدیرکل سیاسی را نیز تجربه کرد. فارغ از مواضب استفاده از یک نیروی جوان کارکرده در این حوزه، بهره‌گیری از فردی که سابقه طولانی فعالیت دانشجویی و حزبی داشت، این انتخاب را بیشتر مورد توجه قرار داد. حالا آن نیروی جوان، باتجربه‌تر از قبل به مسایل حوزه سیاست داخلی می‌نگرد. بافری در گفت‌وگو با «شرق» به بررسی سیاست‌های اعلامی دولت یازدهم در حوزه سیاسی و چگونگی اجرای آن در وزارتخانه کشور و جایگاه وزارت کشور در حوزه سیاست داخلی داشت که در ادامه می‌آید:

■ این نگاه‌به غلط بادرست در سطح جامعه و میان برخی گروه‌های سیاسی و مجموعه‌های نخبگی وجود دارد که آینه تمام‌نمای کنش دولت در عرصه سیاست داخلی، وزارت کشور است. با توجه به شناختی که از ساختار وزارت کشور در حوزه سنادی و در سطح کشور دارید، این نگاه درست است یا باید مجموعه عملکرد دولت را به مثابه یک سیاست مدرنیتی قرار داد؟

عمده مباحث حول سیاست داخلی در مجموعه جامعه در بحث فعالیت احزاب خلاصه می‌شود و روشن و بعد روشن آن تا حد زیادی می‌تواند در سیاست‌های کلان دولت مستقر در این حوزه متجلی شود. اگرچه اصل استقلاد کشوری از حقوقی که در قانون به رسمیت شناخته شده، تابعی از شرایط حاکم بر جامعه و میزان حمایتی که دولت و عوامل موثر در این زمینه از آن حقوق به‌دست می‌آورند، است. این امر می‌تواند جدل مهمی است اما در کنار آن نیز و شناط موجود بین فعالان سیاسی عامل تعیین‌کننده‌ای است که اقرانا می‌تواند به دولت و حاکمیت موجود بیانند. با این حال با توجه به جایگاه دولت و حاکمیت، نقش آنها به مفهوم عام کلمه و سیاست‌های دولت می‌تواند در حوزه سیاست داخلی، تاثیر قابل توجهی داشته باشد. از یک دهه حاکمیتی از رأس بدنه دولت شروع می‌شود. هر دولتی با توجه به رویکردی که نسبت به فعالیت سیاسی و تجزیه دارد مجموعه‌ای از سیاستگذاری‌ها را صورت می‌دهد. در همین سمت‌دهد، دولت‌هایی بر سر کار شده‌اند بی‌اعتقادی به نقش احزاب، جزو سیاست‌های اعلامی آنها بود و حزب و تحزب را تهدید به شمار می‌آوردند. نقطه مقابل آن، دولت‌هایی بودند که توسعه سیاسی و فعال‌بودن کنشگران سیاسی را در برنامه‌های کلان خود می‌دیدند و طبیعی است این نگاه به بدنه دولت نیز تسری یابد و آنقدر دولت داشته باشد تا در حوزه شناط، دولت رو و گشایش باشیم. بنابراین اما از این سیاست‌های کلان دولت می‌توان توقع رونق فضای بازِ سیاسی و تسهیل برای کنشگران سیاسی و بازیگران آن را انتظار داشت. در یک جمله در پاسخ به سوال شما باید بگویم قطعا سیاست‌های کلان دولتی که حاکمیت امور را در دست دارد در شناط به‌یا تحرکی سیاسی موثر خواهد بود. این امر منحصر به وزارت کشور نیست و از دیدگاه‌های نیز بسیاری بعضی‌ها بحرکی در حوزه‌های مهمی که وزیران در این عرصه تاثیر دارند، منتهیا به شکل طبیعی نیک پیکان یا بسیار اصلی جریان یافتن از کانال سیاسی وزارت کشور است. این وزارتخانه سیاسی‌کاری کلان را بیخت و بزه می‌کند و با شیوه‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و فقراهای مختلف زمینه‌سازی تحقق برنامه مدرن در حوزه سیاسی را فراهم می‌کند. بنابراین هم شخص رییس‌جمهور و سیاست‌های کلان توسعه سیاسی به دولت تا بدنه اجرایی حوزه سیاسی که ستاد وزارت کشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها باشد، در این عرصه فعال و تعیین‌کننده هستند.

■ اگر نوع تفکیک میان کنش سیاسی و دولت قابل باشیم، فعالان سیاسی می‌توانند خارج از دولت بدنبال تحقق آمال خود باشند اما آن‌ها اگر بخواهند در این‌باره تصریح دارند برخی مسایل، مانع تحقق قانون می‌شود. بخشی از این مسایل در حوزه کار دولت است و همه اینها باعث شده خود بازیگران سیاسی از برخی حقوق خود صرف‌نظر کنند.

■ شما عملا بعد از سمت مدیرکل سیاسی وزارت کشور، تجربه معاونت سیاسی در استانداری را در کارنامه دارید. با توجه به کارهای اجرایی، مشغله‌های امنیتی و مراجعات مردمی به استانداران، این معاونان سیاسی استانداری به نقش بزرگی در تحقق نشاط سیاسی در استان‌ها دارند. با توجه به شما و بعد و هم برنامه‌های آقای روحانی برای نشاط معاونان سیاسی و در کل، استانداران و فرمانداران در این حوزه چقدر موفق بوده‌اند؟

بطور طبیعی به ارای سیاست‌های کلان و اعلامی دولت در بحث تجارب و کار سیاسی بدنه اجرایی دولت‌ها باید تمثیل بگیرند. اگر شعار حقوق آقای خاتمی توسعه سیاسی بود، رفتار قسمت مربوطه اجرایی که عمدتا در وزارت کشور متمرکز است در این دوره می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه این است که دنباله و سرنخ خطوط کلی که توسط شخص رییس‌جمهور در آن مقطع تعیین می‌شد را می‌توان در وزارت کشور آن مقطع رویت کرد. در دولت آقای هاشمی هم همین بوده و وزارت کشور احمدی‌نژاد هم متناسب با همان رویکرد کلا - منظوم خطوط کلی است نه استثنا؛ حرکت کرده است. عملکرد دولت آقای روحانی از این حیث شباید تاید بارز باشد که وقتی در رأنه حزب در رأس دولت به‌عنوان سیاست کلان بیان می‌شود را بگیریم تناسب چندانی میان سیاست‌های اعلامی با آنچه در عرصه عمل دیده می‌شود وجود ندارد.

■ اتفاقا واکنش مسوولان وزارت کشور نسبت به این نگاه، دقیقا برعکس است. آنها می‌گویند حاکم‌کردن دیدگاه انتقادی یعنی همین که صورت گرفته و این همان خواسته رییس‌جمهور است.

مثالی می‌زنم. در روز اول رای اعتمادیه به رییس‌جمهور بدرستی تاکید کردند که دانشگاه نباید محل فعالیت احزاب شد اما کار سیاسی باید در جامعه صورت بگیرد و محل آن، احزاب و تشکل‌هاست. خب وقتی این سیاست را در بدنه دولت دنبال کنید تناسبی میان رفتار اجرایی کارگزاران در سطوح کوچک‌تر مشاهده نمی‌کنید و این نکته‌ای است که در دولت‌های گذشته نبود. ضعف عمده را باید در اینجا دنبال کرد. همان‌طور که اشاره کردید هرچه از مرکز دور شویم طبیعتا کار سیاسی سخت‌تر است و موانع بیشتر. به همان نسبت نیز نقش مجریان و کارگزاران دولتی در نقاط دوردست، تناقض‌گزارتر است. در مرکز ما بودیم با اختلاف دیدگاه‌هایی که در برخی مسوولیت‌های وزارت کشور یا مسوولان وزیر دولت سابق داشتیم با برخی فعالان سیاسی وجود دارد. کارها را تا حدی عمدتا در تهران جزو دارند و هرگز بدان رای‌زنی و ارتباطات گسترده‌ای هستند. اما آنگونه که باید در این حوزه با وجود دیدگاه‌های صریح و روشن که در مطلوع حال وجود دارد دوستانه بحث شود و به سلایق مختلف نیز احترام گذاشته شود.

■ با توجه به اینکه چنان‌چها و طیف‌هایی زیادی در «خانه احزاب» عضو دارند، برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که فشارهای زیادی از سوی اصولگرایان به وزارت کشور وارد می‌شود تا وضعیت «خانه احزاب» تغییر کند.

این اتفاق زیادی نیست. در سال ۸۴ در مجمع‌سوم برگزار شد، اعتراضاتی در سال ۸۶ مجمع‌عمومی فوق‌العاده‌ای برگزار شد و اساسنامه از ۱۵ نفر به ۲۱ نفر افزایش پیدا کرد و همینطور اعضای علی‌البدل از شش نفر به ۹ نفر با وجود اینکه نماینده‌ای از این جلسه حضور داشت و صورتجلسه را امضا کرده و آن صورتجلسه به وزارت کشور ارسال شده بود، آنها هیچ اقدامی در زمینه اصلاح انجام نداده‌اند. در سال ۸۸ مجددا باز برای ایجاد تغییر در اساسنامه فرم‌های جدید امضاشده‌ای به وزارت کشور ارسال شد ولی باز اقدامی از سوی آنها صورت نگرفت. پس مشخص است که همه اقدامات قانونی از سوی «خانه احزاب» صورت گرفته است. ضمنا تلاش شده تا ترکیب شورای مرکزی از همه گرایش‌ها باشد و برخی بهانه‌گیری‌ها بیشتر به دلیل منافع جناحی است که برخی اشخاص و تشکل‌ها دنبال می‌کنند و موضوع، فعالیت اصلاح‌طلبان است چرا که جریان ما وافقها به بار تشکیلاتی باور دارد و از تعامل با جریان‌های دیگر تشکیل می‌کند اما آنها اینگونه نیستند.

■ یکی از مباحثی که در رابطه با «خانه احزاب» مطرح است، عدم تمدید پروانه است و این در وزارت کشور دوره گذشته عنوان می‌شد. آیا از دوره اول وجود پروانه و مجوز برای «خانه احزاب الزامی بوده؟ و نظر وزارت کشور فعلی چیست؟

یکی از موارد این است که چون همه احزابی که عضو «خانه احزاب» هستند پروانه دارند نیازی به کسب پروانه نباشد به همین‌خاطر از همان ابتدایی که «خانه احزاب» شکل گرفته بود پروانه‌ای تمدید نشده بود که بخواهند آن را بهانه قرار دهند. در اواخر دوره چهارم که ما می‌خواستیم مجمع پنجم را برگزار کنیم، مدیرکل سیاسی وزیر وقت وزارت کشور با آیت‌الله موسوی‌تبریزی که رییس شورای‌مرکزی دوره چهارم بودند، تماس می‌گیرند و همین بحث پروانه را مطرح می‌کنند که به‌همین‌خاطر فرم‌هایی که در رابطه با تمدید پروانه است در اواخر دوره چهارم و اوایل دوره پنجم به وزارت کشور ارسال می‌شود، اگر در زمینه تمدید پروانه هم اقدامی صورت نگرفته و کسی می‌گوید چرا پروانه «خانه احزاب» و شورای‌مرکزی تمدید نشده است و اموالگرایی وجود داشته باشد، وزارت کشور باید پاسخگو باشد که چرا نسبت به این مساله اقدام نکرده است. اصلا اگر ما پروانه نداشتیم که کار تمامی مجامع قبلی نیز زیر سوال می‌رفت. حتی گاهی اوقات این مساله مطرح است که چرا در این دوسال مجمع‌عمومی برگزار نشده که باید گفت به دلیل شرایط، عملا امکان برگزاری مجمع فراهم نبوده است. به‌طرحال از سال ۹۰ به‌دنبال برگزاری مجمع هستیم تا اسناد و مدارک را تحویل بگیریم تا بتوانیم مجمع را برگزار کنیم و لازم است درباره این مساله کار کارشناسی جدی صورت گیرد و همه حضور داشته باشند و پاسخ دهند. به نظرم برگزاری میزگردی درباره این موضوع با حضور طرف‌های مختلف کارایی بیشتری داشته باشد. ما از این موضوع استقبال می‌کنیم و امیدواریم جریان‌هایی که مدام در این‌باره موضع می‌گیرند به این نشست حاضر شده و به سوالات پاسخ دهند. این هم در اختیار وزارت کشور است تا اسناد و مدارک را به ما بارگردانند.

■ در جرایان مختلف دیده شده که شما به «خانه بازشایی» «خانه احزاب» هستید؟چرا؟

بله من واژه بازگشایی را قبول ندارم چون هیچ‌موقع هیچ‌کس از فعالیت «خانه احزاب» جلوگیری نکرده و هیچ موقع فعالیت این خانه متوقف و تعطیل نشده است. متاسفانه گاهی افراد از تعطیلی و بازگشایی «خانه احزاب» حرف می‌زنند در حالی که چنین چیزی نیست و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب هیچ‌گاه حکمی درباره «خانه احزاب» نداده است که بخواهد تعطیل یا از فعالیت آن جلوگیری شود.

■ چرا معتقد هستید اصولگرایان قواعد بازی را در «خانه احزاب» رعایت نمی‌کنند و آن را به‌هم می‌زنند؟

البته همه اصولگرایان را نمی‌توان یکی دانست. بسیاری از آنها همیشه قاعده‌مند عمل کرده‌اند و برخوردشان بسیار مناسب بوده اما برخی از افراد هم هستند که وقتی رای نمی‌آورند قاعده بازی را بهم می‌زنند. برخی از اصولگرایان می‌گویند اگر اصلاح‌طلبان باشد نمی‌بینیم. «خانه احزاب» مال اصلاح‌طلبان نیست و به همه احزاب تعلق دارد. حتی جریان‌هایی که احزاب هم در چند دوره اخیر اینچنین پیش‌بینی شده بود که مشترک باشند بین دوستان اصولگرا و اصلاح‌طلبان، ما هیچ‌گونه شباهتی به شیوه تاسیسی ندارند. تا اینکه در سال ۹۰ چون حتی ما در هایتریب‌ایجاد «خانه احزاب» با وجود اینکه این هایتریب چندنفر هستند و با وجود اینکه سه‌نفر از دوستان اصولگرا رای آورده بودند ولی برای ایجاد تعامل و بدلیل اینکه «خانه احزاب» متعلق به همه احزاب است دوتفر از دوستان اصولگرا و اصولگرایان و اصلاح‌طلب امیدواری نسبت به مجموع و منظومشان این رایزنی‌های اصمتقیم را افزایش دهد در اینکه حقله مفقوده هشت‌سال احمدی‌نژاد که بدلیل بی‌اعتقادی او به نقش احزاب و تشکل‌ها، اصلا وجود نداشت و نتیجه آن، شکاف مشخص میان رییس‌جمهور قبل و اهالی سیاسی -حتی برخی طیف‌های بسابقه اصولگرا- بود، توسط روحانی به‌درستی دیده؛ تمدید شد. اما تا تحقق این امر در وزارت کشور نیز به‌طور اجرا کننده تصمیمات دولت در حوزه سیاسی، دیده می‌شود؛ سیمحمد احمدی نژادی در دوران اصلاحات، تحلیت مشابهی را با فضای سیاسی عمدتا اصلاح‌طلب داشت که بدلیل فضای خاص آن سال‌ها و نوع منطق طیف مقابل اصلاحات، کمتر مجال همپشینی با آن جریان را فراهم می‌کرد. حالا هر دو جریان بخوبی می‌دانند سیاستورزی عاقلانه و دقیق و طبق جریان نانوشته و بدلیل اقاعده دارد خود را «صدای غالب» / دوگانه اصولگرایی نشان دهد، نیازمند جلسانی اینچنین میان خود در سطحی بالاتر با مسوول اینکه اصولگرایی کشور است، روحانی سیاستمداری بخته است و با تجربه‌ای که در کسوت مدیرکل وزارت کشور هستانی به دست آورد، نیک می‌داند موضع «رسانه‌ای» سیاسی نیز مدام انفجارات اجرایی‌ها دیپلماتیک، حتما در دست «وزیر» خواهد کرد. مشاهده اهمیت‌دادن رییس‌جمهور حتی به نظارت نیز جریان مخالف آن هم در حالت «جامع‌جمهوری» تعیین دموکراسی را نیز توسیع خواهد کرد و ضریب «توافق» برای امر سیاست را ارتقا خواهد داد. رییس‌جمهور به‌دنبال همین اثر برند؛ برای ایجاد تفاهم سیاسی در کشور است. با این حال فاصله‌افتادن میان پیگیری امر سیاسی توسط مسوولان ارشد دولت، نبود معاون سیاسی به عنوان مهم‌ترین مدیرکل وزارت کشور در تحدید گذشته در این وزارتخانه، میان سیاست‌های «اعلامی» و «اعمالی»، تفاوت‌هایی ایجاد کرده است.

ادامه از صفحه اول

عمان و احتمال برون‌رفت از بن‌بست توافق نهایی

بخشی از این فضاسازی‌ها هم برای آرام‌کردن جمهوریخواهان تندرو و لابی اسرائیل که به‌ویژه در آمریکا بسیار فعال است انجام می‌شود اما از آنجا که رسانه‌های همسو با متاثرکوشندگان هسته‌ای ایران، کوتوان تر هستند و درپرگیری کمتری در عرصه رسانه‌ای جهان دارند، فضا بیش از قبل در دست ۵+۱ به‌ویژه آمریکاست. بهتر است ما که متاثرکوشندگان کشور را می‌شناسیم فریب حرف‌های طرف مقابل را نخوریم. به‌ویژه آنکه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان آن‌سوی مرز هم با آنها همسو هستند.

۳- دعوا اما هنوز بر سر موضوعات حساس ادامه دارد. طیفی در داخل کشور مخالف‌کوشندگان را به اتهاماتی منتسب می‌کنند؛ از وادادن تا تعطیل‌کردن فعالیت هسته‌ای ایران. اما بد نیست بدانیم که امروز جدل روی میز مذاکره رسیده است به تعداد سانتریفیوژها؛ میزان سو و سال‌های دستیابی به این میزان سو. در حالی‌که یکسال‌ونیمی پیش که مذاکره دور جدید آغاز شد، موضع مذاکرکوشندگان غربی، تعطیل‌کردن فعالیت هسته‌ای ایران بود (یا معادل dismantle) با برچیدن سانتریفیوژها حتی در جریان مذاکرات آلمانی -که در دوره مدیریت سعید جلیلی بر مذاکره هسته‌ای انجام شد- این شایعه مطرح شده بود که گزینه‌های روی میز مذاکره که است سوخت مورد نیاز ایران از فرانسه تا روسیه برای تهیه سوخت نیروگاه بوشهر، بخش دیگری از فعالیت هسته‌ای به کشور ثالثی واسپه شود. به قول متخصصان هسته‌ای حلا همان مذاکره‌کنندگان غربی، ایران را به‌عنوان کشوری که غنی‌سازی صنعتی دارد، شناخته‌اند و در حال مذاکره بر سر میزان غنی‌سازی هستند.

۴- قرار است در توافق نهایی، اقدامات برگشت‌پذیر در مقابل اقدامات برگشت‌ناپذیر انجام شود و اقدامات برگشت‌پذیر در مقابل اقدامات برگشت‌پذیر. این قاعده در عمل یعنی، کاهش میزان غنی‌سازی، توقف فعالیت هر تعداد سانتریفیوژ یا تغییرات ساختاری در مکانی به نام آبسینگین (اراک یا نطنز و فردو) در مقابل گزینه‌هایی مانند تعلیق تحریم‌های اقتصادی ایران توسط رییس‌جمهور آمریکا. تعلیق و سپس لغو تحریم‌های مصوب کنگره، تحریم‌های شورای امنیت و اتی آخر. از باد نبریم که از توافق ژنو، طرفین بر سر اقداماتی گامبه‌گام توافق کرده‌اند. مانند بندی در توافق ژنو که مرتبط به کاهش مرحله‌به‌مرحله میزان غنی‌سازی از ۲۰درصد و تبدیل آن به اکسید دو در مقابل آزادسازی بخشی از اموال بلوکه‌شده ایران در هشت قسط؛ یا تثبیت‌کاهش غنی‌سازی در نقطه ۵درصد در مقابل آزادسازی بخش دیگری از اموال در جریان تعدیل مذاکرات در وین ۶.

حالا در توافق نهایی نیز تمام اقدامات برای اطمینان‌بخشی در مورد صلح‌آمیزبودن برنامه‌هسته‌ای ایران به‌یکبار نخواهد بود، بخشی از آنها زمانبر است و ممکن است در بازه زمانی چندماهه تا چندساله به دست آید. در مقابل، غرب نیز ملزم خواهد بود در همان بازه زمانی بخشی از تحریم‌ها را تعلیق و در بازه زمانی مشخصی لغو کند. همه اینها البته در این کلام ساده شده است اما قطعا روی میز مذاکره پیچیدگی‌های فنی خود را دارد.

۵- آنچه اکنون تمام دغدغه ۵+۱ در سر مذاکره با ایران است، مساله زمان گریز (Break out) است. یعنی اگر زمانی ایران بخواهد تمام توافق‌ها و پروتکل‌های پذیرفته‌شده از قبل را نادیده بگیرد و به افزایش میزان غنی‌سازی بپردازد. غربی‌ها حافظه خوبی دارند. مذاکره‌کنندگان غربی و روسایشان که حافظه هم اگر باشند، رسانه‌ها و اتاق فکرهایشان مثل نگاتیو برخی اتفاقات را پشت‌هم می‌چینند تا تصویری ناچندان خوب از ایران را مقابل بازنشر کنند. از عمر دولت حسن روحانی و وزارت خارجه جواد ظریف دچار دوم‌ژوئیه یطی مقاده و دست‌ملایش این است که آنها یک چیز چهارساله غربی‌ها هم دولت را به دست گیرند. اما غرب به‌ویژه آمریکا شیل یک توافق جامع برای دست‌کم ۱۰ تا ۲۰ سال آینده است که ضمانت ایران آن را کثیت جمهوری‌اسلامی می‌تواند بدهد نه دولت.

۶- شعارش معکوس برای اثبات موفقیت مذاکره، هم برای دولت اعتدادگرای حسن روحانی آغاز شده است و هم برای دولت دموکرات باراک اوباما که هنوز برگرفته‌ترین در سیاست خارجی خود تبت نکرده و حالا با چقلی اکثریت جمهوریخواه کنگره و سا هم مواجه است. می‌توان حالا بر سر مساله هسته‌ای ایران را یکسر برای همیشه به بایان رساند تا ایران در ارتباط با موضوع هسته‌ای خود مثل بسیاری کشورهای دیگر صلح‌آمیز و عادی را تجربه کند.

ادامه از صفحه ۷

سیاست‌های اعلامی؛ سیاست‌های اعمالی

با این حال برگزاری نشست هم‌اندیشی تشکل‌های در سال گذشته در وزارت کشور، قول دیدار اعلامی سیاست با رییس‌جمهور، چند جلسه دیدار روحانی با سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا در ابتدای سال جاری، موضع‌گیری‌های اخیر «شیخ دیپلمات» در باب مسایل روز کشور و یادآوری «ایثاردمندانه» به عده‌دها، و البته دیدار با کاندیداهای رقیب انتخابات سال گذشته، وزیدن بادهای موافق در حوزه سیاسی را نوید می‌داد. دو ضیافت افطار در ماه‌رمضان سال‌جاری با حضور فعالان اصولگرا و اصلاح‌طلب امیدواری نسبت به مجموع و منظومشان این رایزنی‌های اصمتقیم را افزایش داد. در اینکه حقله مفقوده هشت‌سال احمدی‌نژاد که بدلیل بی‌اعتقادی او به نقش احزاب و تشکل‌ها، اصلا وجود نداشت و نتیجه آن، شکاف مشخص میان رییس‌جمهور قبل و اهالی سیاسی -حتی برخی طیف‌های بسابقه اصولگرا- بود، توسط روحانی به‌درستی دیده؛ تمدید شد. اما آنچه تا تحقق این امر در وزارت کشور نیز به‌طور اجرا کننده تصمیمات دولت در حوزه سیاسی، دیده می‌شود؛ سیمحمد احمدی نژادی در دوران اصلاحات، تحلیت مشابهی را با فضای سیاسی عمدتا اصلاح‌طلب داشت که بدلیل فضای خاص آن سال‌ها و نوع منطق ط